

مقدمه :

امروزه با افزایش جمعیت جوان کشور نیازمند برنامه ریزی بر پایه نیازهای قشر جوان است. چه از جهت اشتغال یا آموزش و... و چه از جهت پر کردن اوقات فراغت جوانان.

به همین دلیل در راستای تامین نیازهای فرهنگی جوانان جهت پر کردن اوقات فراغتشان و از طرفی در جهت اعتلا و رشد استعدادهای روحی این قشر نیاز به وجود مرکزی فرهنگی در کلیه شهر های ایران ضروری به نظر می رسد.

این نیاز در استان گیلان و به خصوص در شهر لاهیجان که علاوه بر جمعیت ساکن بومی در آن نزدیک به ۱۵ هزار نفر جمعیت جوانی که به عنوان دانشجوی درچندین مرکز دانشگاهی شامل دانشگاه آزاد و دانشگاه پیام نور و دانشکده فنی حرفه ای و دانشکده پرستاری و دانشگاه غیر انتفاعی دیلمان و اندیشمند مشغول به تحصیل می باشند بسیار ضروری به نظر می رسد.

همچنین با یک مقایسه می توان نتیجه گرفت که لاهیجان امروزه با بحران کمبود مراکز فرهنگی و سینمایی مواجه است زیرا عدم وجود حتی یک سینما برای شهری که بین سالهای ۵۷-۵۳ دارای ۴ مرکز سینمایی فعال با ۲۴۳۳ صندلی و سطح قابل اشغالی معادل ۳۲۹۰ متر مربع یک فاجعه به نظر می رسد. این خود می تواند دلیلی کاملا موجه برای انتخاب موضوع مجموعه فرهنگی و هنری برای لاهیجان باشد.

از ابتدای کار برای طراحی این مرکز فرهنگی هنری به دو عامل توجه شده است به عبارتی می توان گفت برای طراحی دو عامل نقش اساسی را در شکل دهی طرح کلی داشته اند. اول همخوانی با سایت و دوم اقلیم. شکل سایت تقریبا یک مستطیل است با یک ضلع بسیار کشیده که همان بر اصلی سایت است هدف قرار دادن و استقرار عناصر و حجم اصلی در این بخش است دلیل آن ایجاد یک حجم کاملا روشن و مشخص برای رهگذرانی که از خیابان عبور می کنند و بیان اینکه یک اتفاق متفاوتی روی داده است.

کشیدگی طرح در جهت شرقی غربی دلیل دیگری نیز دارد. آن به دلیل نتیجه گیری است که از مطالعات اقلیمی صورت گرفته است. با توجه به این مطالعات بهترین جهت قرارگیری ساختمان در این منطقه کشیدگی آن در جهت شرقی غربی است.

کلیات طرح را می توان به ۳ بخش تقسیم کرد:

بخش فرهنگی هنری، بخش اداری آموزشی، بخش سوم مسیر های ارتباطی و طراحی سایت است.

این تقسیم بندی سه گانه را می توان در کل طرح مشاهده کرد این سه بخش در عین مجزا بودن از یکدیگر به هم مرتبط هستند.

بخش اول یا همان بخش فرهنگی تفریحی در ضلع جنوبی سایت واقع شده است. این بخش شامل ورودی سرپوشیده (این ورودی فقط نقش هدایت جمعیت به

در طبقه سوم کافی شاپ با فضای سرپوشیده و دو تراس جهت پذیرایی قرار دارد. در امتداد کافی شاپ گالری و ملحقات آن قرار دارد در واقع بخش گالری از نظر حجمی و پلانی همانند یک پل ارتباطی است که در ارتفاع، بخش فرهنگی تفریحی را به بخش آموزشی اداری مرتبط می سازد یک راه پله (که به عنوان پله فرار هم استفاده می شود) و یک آسانسور وظیفه برقراری این ارتباط را بر عهده دارند.

بخش اداری آموزشی شامل دو ساختمان جدا از هم است که توسط یک باکس شیشه ای مورب به هم متصل می شوند. در ضلع غربی ابتدای فضایی جهت نمازخانه مردانه و زنانه در نظر گرفته شده است و بعد از آن ساختمان اداری قرار دارد و بعد از آن ساختمان کتابخانه که توسط پله ارتباطی به طبقه دوم بخش آموزشی متصل می شوند و این طبقه نیز توسط پله ای که قبلا گفته شده ارتباط با گالری را میسر می سازد.

ورودی طرح شامل دو قسمت است بخش سرپوشیده که قبلا بیان شده و دو دالان در ارتفاع ۸۰ سانتیمتری که کل قسمت های سایت را با راهروهایی در همین سطح به هم مرتبط می سازد. مغازه هایی جهت فروش صنایع دستی و محصولات فرهنگی در امتداد این راهروها واقع شده است.

عمده فضای سبز و یا طراحی سایت در قسمت شمال شرقی سایت واقع شده است به دلیل اینکه این بخش بتواند به عنوان فیلتر جهت تعدیل سر و صدای تولید شده توسط مجموعه ورزشگاه در ضلع شرقی عمل می کند. بجز این فضای سبز عمده که شامل آمفی تئاتر روباز و فضایی جهت نمایشگاه روباز است، در جای جای سایت طراحی هایی جهت فضای سبز صورت گرفته.

فصل اول: علل انتخاب موضوع

۱-۱- اوقات فراغت

۱-۲- لزوم ایجاد مراکز فرهنگی

۱-۳- هدف ها

۱-۴- هدف از انتخاب موضوع

فصل اول: علل انتخاب موضوع

۱-۱- اوقات فراغت

فراغت یکی از مهمترین شاخه های مطالعات انسان شناسی است. فراغت بخش مهمی از زندگی روزمره افراد را تشکیل می دهد. نظر به تنوع روزافزون فعالیت های فراغتی در شهر، انسان ها برای گذران اوقات فراغت خویش دست به انتخاب فعالیت های مختلف می زنند.

بر خلاف تصور عامه فراغت به معنای زمان تفریح و استراحت نیست بلکه زمان و وقت آزاد یک فرد می باشد که به بازسازی فرهنگی و معنوی خود پردازد و معمولاً انسان از ۲۴ ساعت وقت شبانه روزی خودمدتی را صرف فعالیت های اقتصادی و امور ضروری از قبیل خواب و خوراک

جدول ۱-۱- نحوه گذراندن اوقات فراغت خانواده های شهری

(به در صد زمان اوقات فراغت)

نحوه گذراندن اوقات فراغت	مرد و زن	مرد	زن
رادیو و تلویزیون	۴۱	۴۰,۸	۴۱,۶
دیدار دوستان	۱۵,۸	۱۷,۱	۱۰,۴
مطالعه	۸,۳	۸,۳	۸,۶
فعالیت ورزشی	۵,۵	۶,۷	۰,۴
فعالیت مذهبی	۵,۲	۶,۲	۶,۱
فعالیت هنری	۱,۳	۰,۹	۱,۳
سینما تئاتر و موزه	۰,۹	۱	۰,۲
پارک و کوهنوردی	۱,۱	۱,۲	۰,۴
سایر	۱۱,۶	۹,۴	۲۰,۷
هیچکدام	۹,۳	۸,۴	۱۳
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

جدول ۱-۲- وضع مطلوب

صرف اوقات فراغت برای انواع امور بر حسب مرد و زن

نحوه گذراندن اوقات فراغت	مرد و زن	مرد	زن
مطالعه	۳۷,۲	۳۴,۲	۴۰,۱
فعالیت ورزشی	۲۴,۷	۲۷,۶	۲,۱
فعالیت مذهبی	۲۳,۳	۲۵,۵	۱۸,۲۰
فعالیت هنری	۵,۸	۳,۷	۲۱,۳

۴,۷۲	۴,۲	۱,۴	سینما تئاتر و موزه
۲,۸	۴,۹	۴,۹	پارک و کوهنوردی
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع

۱-۲- لزوم ایجاد مراکز فرهنگی

تحولات اقتصادی و اجتماعی با دگرگونی هایی در طرز اندیشه و رفتار افراد یک جامعه همراه است. نظام فرهنگی که بر اساس شکل خاصی از تولید و مجموعه ای از آداب و رسوم استوار بوده. همزمان با یک تحول جدید متزلزل می گردد و در سیر به سوی یک تعادل جدید به هدف هایی تازه نیازمند می شود اگر در نخستین مراحل تحول اجتماعی ایران نیاز به محرک اقتصادی داشت در این مرحله از انعکاس این خواسته ها تمایلات فرهنگی و معنوی افراد به چشم می خورد. توجه به این نیازها در ایران اهمیت اساسی دارد گروهی از مردم مظاهر فرهنگی این سرزمین را ندیده گرفته شیفته راه و رسم زندگی غرب شدند و گروهی دیگر ورود برخی از مظاهر تمدن صنعتی را نشانه عدم علاقه و حفظ سنن ایرانی دانسته اند. با توجه به تحولات اجتماعی و اقتصادی ایران اکنون جامعه به فرهنگی نیازمند است که بر مبنای فرهنگ ملی استوار باشد و نیز بتواند در زندگی ایرانیان به خصوص جوانان در یک جامعه صنعتی موثر باشد.

منظور اصلی به وجود آوردن شخصیت انسان مطلوب می باشد که باید یک فرد را در زمینه های جسمانی و اجتماعی و روحانی تربیت نموده و همچنین احتیاج به یک فرهنگ می باشد که بر مبنای یک فرهنگ ملی استوار باشد یعنی احیا ارزش های اصیل فرهنگ ایرانی و انطباق آن با شرایط زندگی امروزی و همچنین برخورداری از بطن فرهنگ جهان است.

با توجه به مطالبی که در سطور گذشته ذکر گردید لزوم یک هدف و ایدئولوژی کلی برای جوان ها که بتواند آنها را مجذوب نماید به چشم می خورد این هدف تربیت جسمانی اجتماعی و روحانی می باشد و لازمه آن داشتن یک سیاست فرهنگی است. عواملی که ضرورت این سیاست فرهنگی را ایجاد می کند:

- ۱- افزایش رفاه عمومی
- ۲- افزایش تعداد باسوادان
- ۳- افزایش جمعیت شهرنشین
- ۴- افزایش اوقات فراغت
- ۵- افزایش وسایل ارتباط جمعی
- ۶- افزایش روابط بین المللی

۱-۳- هدف ها

- فرهنگ برای همه با توجه به نکات ریز:
- حفظ اصالت فرهنگی
 - آفرینش فکری و هنری

- شناساندن فرهنگ ملی ایران در درجه اول به اقشار جوان از طریق سینما و تئاتر و در درجه دوم به جهانیان و تاثیر نقش فرهنگ ایران در گفتگوی تمدنها از نظر یک جامعه شناس یک مرکز فرهنگی برای هدف های زیر به وجود می آید:

- اشاعه فرهنگ و هنر

- گذراندن اوقات فراغت به بهترین وجه

- توجه به تقاضای مردم و بر آوردن نیازهای واقعی آنها

- مسئله دیگری که در طرح مراکز فرهنگی باید مورد توجه قرار گیرد این است که مراکز فرهنگی از جمله مکان هایی هستند که همگام با نهادهای اجتماعی دیگر مانند مدرسه و دانشگاه و غیره عهده دار تربیت و راهنمایی اجتماع می باشد.

بطور کلی در برنامه یک مرکز فرهنگی موارد زیر باید مورد توجه قرار گیرد:

۱- توجه به ارضا احتیاجات جسمی ، همزیستی ، بهداشت ، فقر ، تفهیم اصول احتیاجات زندگی امروز ، توجه به اعمال روانی مانند ادراکات حسی و عینی از جمله حس تصور حافظه تخیل فکر و مطالعه در نحوه انجام دادن کار.

۲- خلاقیت علمی و هنری

۳- بوجود آوردن امکانات برای تشویق و تربیت حس خلاقیت و شناخت استعداد ها و به کار بردن آن در جهت صحیح آن مانند ریاضی تکنیک هنر و حرفه

۴- با توجه به مسائل اجتماعی ارتباط طبقات سنی و تقویت نهادهای اجتماعی سنتی برای به وجود آوردن رفتار مشترک گروهی

۵- توجه به احیا میراث فرهنگی در رابطه با مسائل روز و ایجاد حس تعلق به کشور از طریق هنر

۶- توجه به جنبه روحانی افراد به وجود آوردن یک وجدان اخلاقی و هماهنگی بین مسائل روحی و مادی

۱-۴- هدف از انتخاب موضوع

ایران با قدمتی چند هزار ساله دارای تمدنی غنی و از طلایه داران فرهنگ در دنیا می باشد بطوریکه این تمدن و فرهنگ در زندگی و خصوصیات روحی ملت تجلی یافته است. تجلی فرهنگ ایران از طرفی بر روی خود اشخاص و روحیات درونی آن به صورت های متفاوت مانند اخلاق شیوه زندگی آداب و رسوم و... نمایان می گردد و از طرفی دیگر بصورت یک تاثیر تفاوت های صوری دارای منشا یکتا و جوهره ای ذاتی می باشند. این یکتایی ، همبستگی فرهنگ پشت در پشت از قدیم الایام از نیاکان ما زنجیر وار به ما رسیده است. اما هنگامی که این زنجیر تضعیف شود یعنی زمانی که سینه ای برای جذب و درک این فرهنگ و یا سینه برای انتقال آن به نسل آینده وجود نداشته باشد زمانی است که باید از گسستن این زنجیر و نابودی آن فرهنگ یکتا ترسید. در زمان حال نیز به علل متفاوت از قبیل پیشرفت صنعت و گسترش ارتباطات در جهان زندگی جوامع به خصوص جوامع در حال توسعه بیشتر به سوی مادی گرایی گرایش یافته است .

با یک بررسی اجمالی در تاریخ سه دهه اخیر میتوان چنین نتیجه گرفت که پس از انقلاب جمعیت شهرنشین با یک رشد روزافزون روبه رو شد که این خود از طرفی ناشی از افزایش نرخ رشد جمعیت ایران در این سالها می باشد و از سوی دیگر مهاجرت های روستاییان و ساکنان شهر های کوچک به طرف شهرهای بزرگ شدت یافت. اما به علت کمبود امکانات و یا به عبارتی عدم تناسب میان رشد امکانات شهری با میزان افزایش رشد جمعیت دولت با کمبود فضاهای آموزشی فرهنگی و ورزشی که در سالهای جنگ کمتر مورد توجه قرار می گرفت پس از اتمام جنگ دولت مجال یافت تا این کمبود ها را کارشناسی نماید و با برنامه ریزی های خود در جهت رفع آن همت گمارد.

امروزه با افزایش جمعیت جوان بطوری که ۵۰٪ جمعیت کشور زیر ۲۰ سال می باشد دولت بر آن شد تا برنامه ریزی بر پایه نیازهای قشر جوان صورت گیرد. چه از جهت اشتغال یا آموزش و... و چه از جهت پر کردن اوقات فراغت جوانان.

به همین دلیل در راستای تامین نیازهای فرهنگی جوانان جهت پر کردن اوقات فراغتشان و از طرفی در جهت اعتلای و رشد استعداد های روحی این قشر نیاز به وجود مرکزی فرهنگی در کلیه شهر های ایران ضروری به نظر می رسد.

این نیاز در استان گیلان و به خصوص در شهر لاهیجان که علاوه بر جمعیت ساکن در آن نزدیک به ۱۵ هزار نفر جمعیت جوانی که به عنوان دانشجو در چندین مرکز دانشگاهی شامل دانشگاه آزاد و دانشگاه پیام نور و دانشکده فنی حرفه ای و دانشکده پرستاری و دانشگاه غیر انتفاعی دیلمان و اندیشمند مشغول به تحصیل می باشند بسیار ضروری به نظر می رسد.

همچنین با یک مقایسه می توان نتیجه گرفت که لاهیجان امروزه با بحران کمبود مراکز فرهنگی و سینمایی مواجه است زیرا عدم وجود حتی یک سینما برای شهری که بین سالهای ۵۷-۵۳ دارای ۴ مرکز سینمایی فعال با ۲۴۳۳ صندلی و سطح قابل اشغالی معادل ۳۲۹۰ متر مربع یک فاجعه به نظر می رسد. این خود می تواند دلیلی کاملاً موجه برای انتخاب موضوع مجموعه فرهنگی و هنری برای لاهیجان باشد.

فصل دوم: فرهنگ و معماری

۱-۲- فرهنگ و هنر

۲-۲- هنر

۲-۳- معماری به عنوان بستر فرهنگ

۲-۴- ارتباط فرهنگ و معماری

۲-۵- نتیجه

فصل دوم: فرهنگ و معماری

۱-۲- فرهنگ و هنر

هر قوم و ملتی به طریقی می اندیشد و می نگرد و به شکلی استنباط می کند به عبارتی دیگر دارای هدفی است. آداب و رسوم و سنتها اعیاد و جشنها و سوگواری ها و عزاداری های هر ملت بیانگر نگرش خاص به هستی و نشانی است از نحوه گرایش به آرمانها ، از اینجاست که فرهنگ هر قومی شکل می گیرد و در زندگی کارایی می یابد.

فرهنگ عامل همبستگی قومی است و عامل همزیستی و مساعدت ، همیاری و بالاخره عامل تفاهم است. تفاهم به معنای کامل کلمه به معنای فهم متقابل و این نقطه تلاقی فرهنگ و هنر است. هنر به دنبال اهداف عالیه انسانی وظیفه دیگری دارد که تبلور فرهنگ است. مفهوم اساسی فرهنگ نشان می دهد که در هر حال فرهنگ با هنر آمیخته است. هر یک از شاخه های هنر به نوبه خود نمودار آرمانها ئی اهداف هر جامعه و بیانگر روحیات و خصوصیات فرهنگی مربوط به آن خواهد بود. فرهنگ و هنر همچون دو نیروی لازم برای اصلاح جامعه است این دو نیرو هر کدام به سهم خود عامل پویایی و حرکت به جهت مثبت بشمار می رود. فرهنگ سالم عامل بنیان دوام و پویایی جامعه است. پس برای پربار کردن درخت هنر باید ریشه آن در فرهنگ سالم باشد. بدیهی است اگر فرهنگ و هنر دو نیروی همسو نباشند و در جهت مخالف یکدیگر عمل کنند حاصلی جز سکون و ایستایی ندارد و هرچه همسویی این دو نیرو بیشتر باشد حرکت جامعه به سوی اهداف سرعت می گیرد. علاوه بر فرهنگ و هنر عوامل دیگری مانند مذهب و اقتصاد و اخلاق و... نیز در پویایی و اصلاح جامعه نقش بسزایی دارد و به نوعی با یکدیگر وابسته اند. می توان ادعا کرد که اگر فرهنگ و هنر یک جامعه در سطحی والا قرار بگیرد انگیزه ارتقای سایر عوامل نیز بیشتر خواهد شد.

۲-۲- هنر

درباره هنر تعاریف و معانی گوناگونی روایت و گفته شده است بطوری که نمی توان آن را در قالب یک جمله بیان کرد اما به بیانی ساده می توان گفت هنر خلق کردن اثر یا به وجود آوردن حسی است که انسان با توسل نیروی خلاق خود برای بیان افکار و ایده های خویش که همان برداشت او از طبیعت پیرامونش است ایجاد می کند که آن اثر از ضمیر خود آگاه یا ناخودآگاهش بر

۲-۳- معماری به عنوان بستر فرهنگ

هر جامعه با هر سیستمی که اداره شود و هر نوع طرز فکری که بر آن حاکم باشد دارای اهداف و آرمانهای خاص خود می باشد و وظیفه اصلی فرهنگ نمایش این ایده های ذهنی به وسیله نمود اشکال عینی است که در فرایند این استحاله معماری نقش اساسی بر عهده دارد به قول موتیسیوس "معماری وسیله واقعی سنجش فرهنگ یک ملت بوده است هنگامی که ملتی می تواند مبل ها و لوستر های زیبایی بسازد اما هر روز بدترین ساختمان ها را می سازد دلالت بر اوضاع نابسامان و تاریک آن جامعه دارد"

فرهنگ به معنای عامه همان آداب ، زبان، دین، مذهب و... است به بیان خلاصه روش و منش انتخابی یک قوم برای زندگی می باشد. اما بر عکس در ذهن عامه مردم این لغت به عنوان رجعت به گذشته استفاده شده است در صورتی که دوران فرهنگی بصورت کلی به دو قسمت تقسیم می شود:

فرهنگ گذشته یا تاریخ و فرهنگ امروز برای بررسی تفکر و تحلیل خاص امروز

در قسمت فرهنگ گذشته باید به تاریخ و مستندات آن نگاهی انداخت تا به روش زندگی مردم در آن دوره دست یابیم . امروزه شاید پیشرفت تکنیک باعث انتقال اطلاعات و همچنین بالا رفتن سطح آن در جهان شود ولی استفاده از این وسایل به روشهای نادرست باعث به وجود آمدن نوعی ناهنجاری در رفتار اجتماعی انسانها شده است.

۲-۴- ارتباط فرهنگ و معماری

در اینجا لازم است در باره ارتباط فرهنگ با معماری صحبت شود.

هر بنایی به عنوان جزئی از فرهنگ معماری این وظیفه را دارد که اندیشه ذهنی را از طریق فرم ظاهر خود عینیت بخشد همانطور که در بررسی فرهنگ گذشته به غنی بودن و عمق فرهنگی رسیدیم در معماری گذشته نیز به غنی بودن بناهایی چون تخت جمشید و پاسارگاد پی می بریم .

در حالی که امروز فقر فرهنگی باعث به وجود آمدن معماری بدون توجه به اقلیم ، جغرافیا و مبانی اعتقادی و ارزشی و بطور کلی معماری تقلید گرا از معماری کشور های دیگر می شود. این تداوم فرهنگی و نمود آن در بناهای گذشته ارتباط تنگاتنگ فرم و فرهنگ

۲-۵- نتیجه

از جمع بندی گفته های بالا می توان به این نتیجه گیری شخصی رسید که افزایش تعداد باسوادان ، افزایش جمعیت شهرنشین ، افزایش اوقات فراغت، افزایش وسایل ارتباط جمعی ، گسترش روابط بین المللی و بسیاری عوامل دیگر لزوم توجه به مسائل فرهنگی را افزایش داده است و ایجاد مراکز فرهنگی با هدف اشاعه فرهنگ و هنر، گذراندن اوقات فراغت به بهترین نحو و ... یکی از روش های بسیار مهم توجه به مسائل فرهنگی به حساب می آید. مرکز فرهنگی که در آن سیاست گذاری ها در جهت بالا بردن و توجه با احتیاجات جسمی و روحی مردم و افزایش خلاقیت و فهم علمی و هنری ، به وجود آوردن امکاناتی برای تشویق و تربیت حس خلاقیت . شناخت استعدادها و به کار بردن آنها در جهت صحیح آن، به وجود آوردن محیطی مناسب جهت ارتباطات گروهی باشد.

فصل سوم : شناخت بستر طرح

۳-۱- استان گیلان

فصل سوم: شناخت بستر طرح

۳-۱- استان گیلان

۳-۱-۱- مشخصات جغرافیایی

استان گیلان با مساحتی حدود ۱۴۷۱۱ کیلومتر مربع در میان رشته کوه‌های البرز و تالش در شمال ایران جای گرفته و حدود ۰,۹٪ از مساحت کل کشور را در بر گرفته است. این استان از شمال با دریای خزر، از شرق با استان مازندران و از غرب و شمال غربی با استان اردبیل و از جنوب با عبور از رشته‌کوه‌های البرز با استان‌های زنجان و قزوین ارتباط دارد. استان گیلان بین مدارهای ۳۶ درجه و ۳۶ دقیقه و ۳ ثانیه تا ۳۸ درجه و ۲۷ دقیقه و ۷ ثانیه عرض شمالی و ۴۸ درجه و ۳۴ دقیقه و ۲۵ ثانیه تا ۵۰ درجه و ۲۶ دقیقه و ۴۲ ثانیه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار دارد و رود سفید تمشک که بین چابکسر و رامسر جاری است آن را از استان مازندران جدا می‌کند. استان گیلان از سه بخش ساحلی، جلگه‌ای و کوهپایه‌ای تشکیل می‌شود. پهنای جلگه ساحلی در استان گیلان کم بوده و در بیشتر نقاط بلافاصله

هر چند سرزمین گیلان از گذشته‌های بسیار دور ، همیشه جزئی از فلات ایران بوده است اما شناسایی قدمت تاریخی آن در ارتباط با سنگهائی خواهد بود که یا بر اثر حرکات زمین بر سطح زمین ظاهر شده و یا عوامل فرسایش با شکافتن قلب کوهستانها ، دسترسی مستقیم به آنها را فراهم نموده باشند. قدیم‌ترین سنگهائی شناخته شده در نواحی شاندرمن و اسلام شناسائی شده‌اند. در واقع اسکلت قسمت وسیعی از ناهمواریهای نیمه جنوبی تالش از سنگهائی بسیار قدیمی تشکیل شده است. گاه بخشی از این سنگها ، خطالرأس‌های اصلی را تشکیل می‌دهند (اطراف ماسوله) و گاهی در تشکیل دامنه‌های مسلط به جلگه ساحلی شرکت دارند (شاندرمن و اسلام).

استان گیلان در قلمرو چین خوردگیهای آلی قرار دارد و جزء قلمروهای ناپایدار کره زمین محسوب می‌شود و پوسته جامد در حوضه این سیستم هنوز از نظر حرکات زمین ساخت به مرحله تعادل قطعی نرسیده است و می‌تواند یکی از کانونهای ناپایدار و آسیب‌پذیر به حساب آید. مهمترین گسلهائی استان گیلان عبارتند از گسل البرز ، گسل آستارا ، گسل سفیدرود ، گسل قزل‌اوزن ، گسلهائی میانی البرز غربی و تالش جنوبی و گسلهائی بخروداغ.

- زمین شناسی و توپوگرافی و شیب منطقه

از نظر زمین شناسی استان گیلان به طور کلی به دو قسمت کلی تقسیم می‌شود : قسمت جلگه که عمدتاً از آبرفت رودخانه‌ها تشکیل یافته و متعلق به کواترنر بوده و بسیار جوان است. قسمت کوهستانی از زمین‌های دوران دوم و سوم بوده و عمدتاً از جنس آذرین و آهک و ماسه سنگ می‌باشند. توپوگرافی منطقه نیز به پیروی از زمین شناسی، از دو قسمت متفاوت عمده ی جلگه و کوهستان تشکیل یافته. اما در گذر از جلگه و کوهستان نوار باریکی که به سرعت

از غرب شهر، رودخانه معروف لاهیجان عبور می نماید که به عنوان یک عارضه ی طبیعی محدود کننده و به ویژه ارتباطی برای شهر درآمده است و مانع از گسترش یکنواخت شهر شده است. ارتباط در دو طرف این رودخانه تا کنون از طریق پلی که به جاده ی لاهیجان - رشت منتهی می شود، میسر شده است.

- منابع آب منطقه

عمده منابع آب منطقه به دلیل وجود جریان های سطحی زیاد از منابع سطحی تأمین می گردد. رودخانه های استان که از دامنه ی شمالی البرز سرچشمه می گیرند پس از عبور از جلگه ی گیلان به دریای خزر می ریزند. عمده ترین رودخانه ی استان یعنی سفیدرود از بیرون از استان منشاء می گیرد (کوه های چهل چشمه ی کردستان). این رودخانه یکی از بزرگ ترین رودخانه های ایران است و پس از وارد شدن به استان از شهرستان های رودبار، رشت، لاهیجان و آستانه اشرفیه عبور کرده و در کياشهر به دریای خزر می ریزد. نقش این رودخانه در استان و به ویژه در شرق آن به اندازه ای است که بدون وجود آن امکان زندگی و فعالیت به صورت کنونی میسر نیست. آب های

- پوشش گیاهی منطقه

گیلان به برکت موقعیت اقلیمی خود از پوشش گیاهی متراکمی برخوردار است. ارتفاعات استان تا حدود ۲۵۰۰ متری پوشیده از جنگل و چمنزار است. جلگه تماماً پوشیده از مزارع برنج، چای و محصولات جالیزی و سبزی است. به ندرت می توان در این پهنه ی هموار زمینی یافت که برای کاربری کشاورزی مطلوب نباشد. جنگل های این استان به همراه جنگل های استان مازندران تنها جنگل های تجاری محسوب می شود و ارزش اقتصادی آن در هر سال به ده ها میلیارد ریال بالغ می گردد. متأسفانه در مراقبت از جنگل ها، مساعدت لازم صورت نمی گیرد. به همین دلیل سالانه بخش بزرگی از این جنگل ها نابوده شده و برای همیشه از بین می روند.

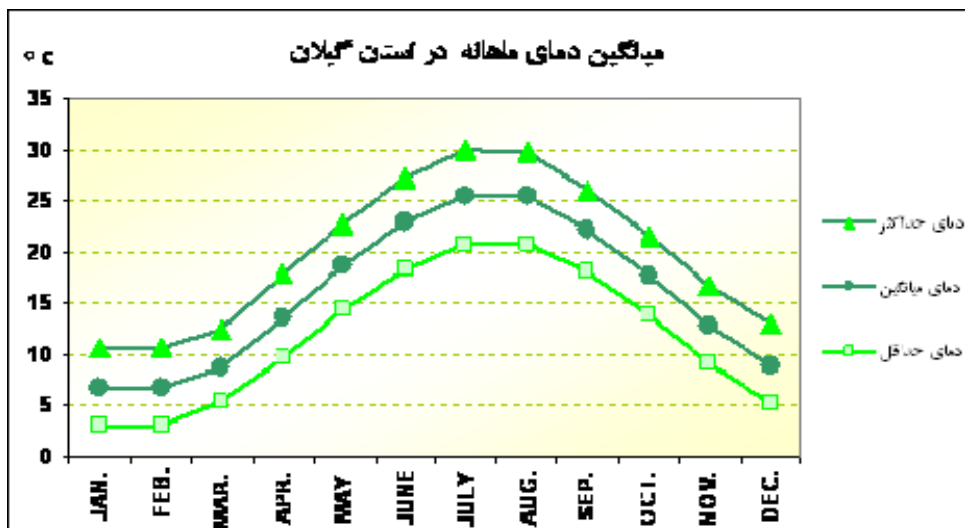
۳-۱-۲- مشخصات اقلیمی

- ویژگی های دمایی استان

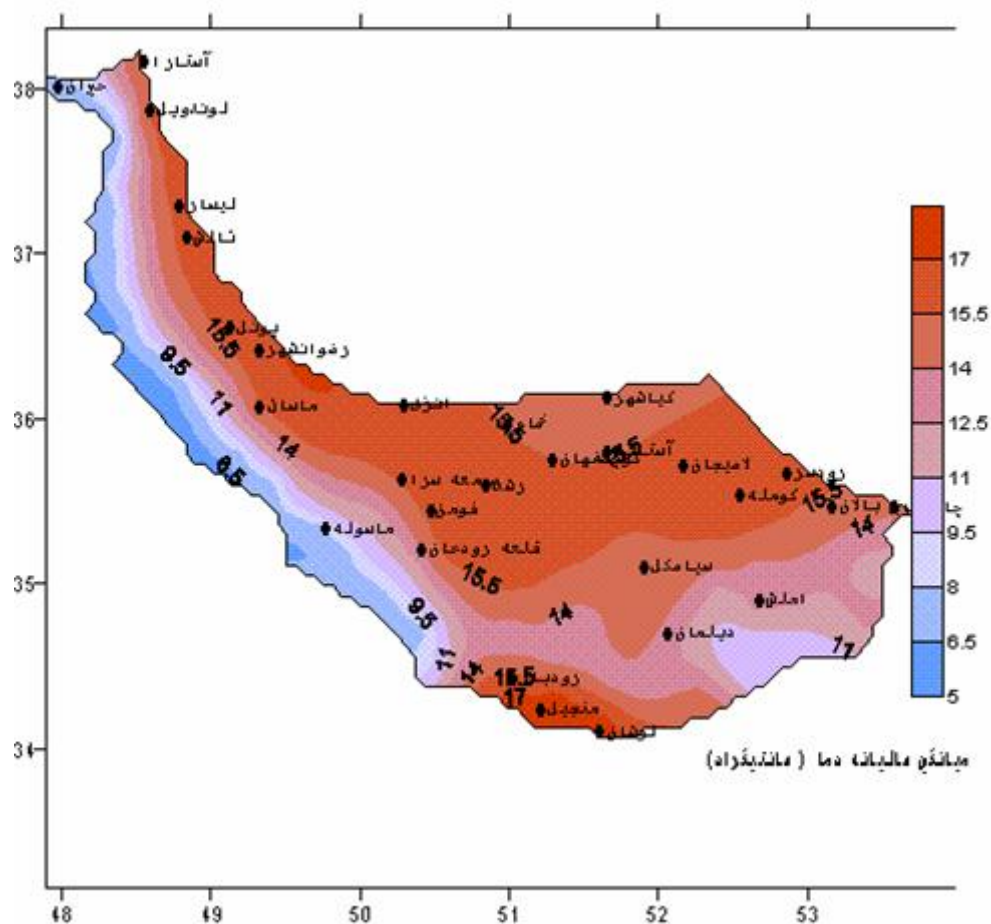
به سبب موقعیت استان گیلان در بین ارتفاعات البرز و منبع رطوبتی دریای خزر و برخورداري از رژیم اقلیمی معتدل خزري حالت متعادلی دارد و نوسان دما بین شب و روز و بین زمستان و تابستان زیاد نیست. به همین جهت تعداد روزهای یخبندان در شهرهای استان گیلان نسبت به بسیاری از استان های کشور در حد نازکی قرار دارد. البته در سالهای اخیر خصوصاً پس از سال ۱۳۷۳ به دلیل افزایش گازهای گلخانه ای این اختلاف دمای شب و روز کمتر نیز شده است. دمای این استان بین حدود ۳ درجه سانتیگراد در دی ماه (ژانویه) تا حدود ۳۰ درجه سانتیگراد در تیرماه (ژوئیه) متغیر است. میانگین دمای سالانه استان در حدود ۱۵/۸ درجه سانتیگراد است. بطور کلی سواحل جنوب غربی دریای خزر (گیلان) سردتر از سواحل جنوب شرقی آن (مازندران و گلستان) است. میانگین تقریبی دمای فصلی استان به قرار زیر است (به درجه سانتیگراد):

بهار : ۱۸,۵ تابستان : ۲۴ پاییز : ۱۳,۵ زمستان : ۷,۵

نمودار ۱-۳ میانگین دمای ماهانه استان گیلان را بطور تقریبی به نمایش می گذارد و نمودار ۲-۳ نقشه همدمای استان را به تصویر می کشد.



نمودار ۱-۲-- میانگین دمای ماهانه در استان گیلان



نمودار ۲-۳- نقشه دمای استان گیلان (۲۰۰۰- ۱۹۷۶) (کمانگر، ۱۳۸۲)

- ویژگی‌های رطوبتی استان

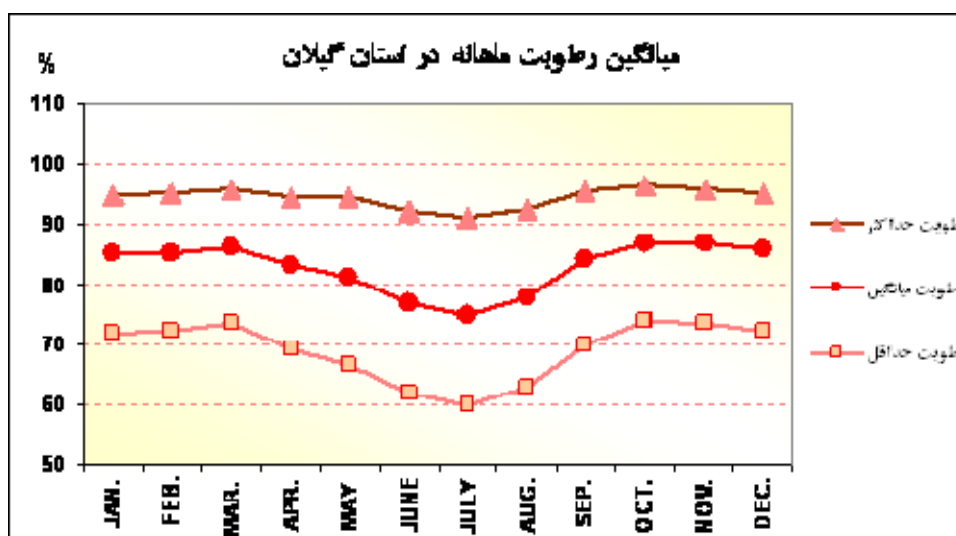
استان گیلان مرطوبترین استان کشور و همچنین مرطوبترین منطقه از سواحل جنوبی دریای خزر می‌باشد. ارتفاعات البرز مانند یک سد کوهستانی از انتقال رطوبت دریای خزر به سمت فلات داخلی ایران جلوگیری می‌کنند و موجب افزایش رطوبت و بارندگی در این ناحیه می‌شوند.

توزیع رطوبت هوا در بخش ساحلی استان که به شدت تحت تاثیر رژیم اقلیمی دریای خزر قرار دارند، با مناطق دور از ساحل و کوهستانی استان متفاوت است. با گذار از نوار ساحلی استان به سمت ارتفاعات، به تدریج از رطوبت هوا کاسته شده و ویژگی اقلیم ییلاقی پدیدار می‌شود که در تلفیق با دمای مساعد این مناطق، شرایط بسیار مطلوبی از نقطه نظر احساس آسایش فراهم می‌آورد. در مناطقی از استان که تحت تاثیر مستقیم رژیم رطوبتی دریای خزر قرار دارند، روند رطوبت نسبی طی ماه‌های سال از آهنگ منظمی پیروی نمی‌کند.

بطور کلی میانگین رطوبت نسبی در استان گیلان حدود ۸۰٪ می‌باشد که این مقدار می‌تواند به حداکثر ۹۶٪ در مهرماه (اکتبر) و حداقل ۵۵٪ در تیرماه (ژوئیه) برسد. رطوبت نسبی در استان گیلان در پاییز و زمستان به حداکثر می‌رسد و در تابستان و بهار کمتر می‌شود، هرچند در تابستان به دلیل گرمای زیاد، شرجی بودن هوا بیشتر احساس می‌شود.

رطوبت بسیار بالای استان علاوه بر اینکه در فصل گرم بر دمای محسوس و شرایط آسایش دمایی تاثیر نامطلوبی می‌گذارد، موجب استهلاک سریع‌تر ساختمان‌ها و بسیاری از سیستم‌ها می‌شود. سایر استانهای ساحلی کشور (مازندران و گلستان) وضعیت رطوبتی و بارشی متعادل‌تری را نسبت به استان گیلان دارا می‌باشند.

نمودار ۳-۳- میانگین رطوبت نسبی استان گیلان را به طور تقریبی نشان می‌دهد.



نمودار ۳-۲- میانگین رطوبت نسبی ماهانه در استان گیلان

- بارندگی در استان

توده هوا و سامانه‌های باران‌زای غربی به میزان قابل‌توجهی در مناطق شمالی کشور نیز فعال بوده و مقدار زیادی از بارش‌های استان گیلان را پدید می‌آورند اما منشاء مهم بارندگی‌های استان گیلان به سیستم جغرافیایی- اقلیمی همجواری دریا و کوهستان مرتبط است که از مکانیسم خاصی بهره می‌برد. در واقع توده‌هواهایی که سطح دریای خزر را می‌پیمایند، در حین عبور از آن از بخار آب دریا تغذیه شده و پس از برخورد با ارتفاعات البرز و صعود اوروگرافیک هوا بر دامنه‌های پرشیب آن، بارندگی‌های وسیعی را ایجاد می‌نمایند. در این فرایند میزان جذب رطوبت از آب دریا به دو عامل مدت استقرار و یا طول مسیر پیمایش توده هوا بر روی دریا و اختلاف دمای توده هوا و آب دریا بستگی دارد.

این شرایط برای جریان‌های جوی ناشی از پرفشار سیبری که از سمت شمال شرق و یا شمال از طولانی‌ترین مسیر ممکن به دریای خزر می‌رسند و سطح آن را می‌پیمایند، به بهترین وجه تامین می‌شود. اختلاف دمای توده‌هواهای وارده و آب دریای خزر نیز در مهرماه به حداکثر می‌رسد که این امر به خوبی بارندگی‌های گیلان را در پاییز و به ویژه در مهر و آبان توجیه می‌نماید.

در استان گیلان حداکثر بارندگی‌های ماهانه در شهرها و مناطق ساحلی و یا مجاور به ساحل نظیر انزلی، رشت، لاهیجان، آستارا، پسیخان، پیلمبرا و .. بر ماه‌های پاییز منطبق است و لی نقاط دور از تاثیر رژیم اقلیم خزری نظیر رودبار و منجیل از رژیم بارندگی دیگری تبعیت می‌کنند و حداکثر بارندگی‌های ماهانه آنها در زمستان است.

هسته بیشینه بارش در سواحل دریای خزر در بندر انزلی قرار دارد و از این نقطه به سمت شرق و غرب به تدریج از بارندگی کاسته خواهد شد. میانگین بارندگی در سطح استان حدود ۱۵۰۶ میلیمتر در سال است. در حالیکه میانگین بارندگی کل کشور ۳۴۱ میلیمتر در سال می‌باشد. به تدریج که از استان گیلان به سمت مازندران و گلستان پیش رویم از مقدار و شدت بارش کاسته خواهد شد بطوریکه میانگین بارش سالانه در گرگان به ۶۲۰ میلیمتر می‌رسد.

نمودار ۳-۴ نقشه هم‌باران استان گیلان را به نمایش می‌گذارد. پرباران‌ترین ماه در استان گیلان مهر ماه (اکتبر) با حدود ۲۵۷ میلیمتر بارندگی است. علت بارش شدید پاییزه در این استان، عبور توده هوای پرفشار و سرد سیبری از روی دریای خزر می‌باشد. این توده هوا در اثر عبور از روی دریای خزر، مرطوب و ناپایدار شده و بارندگی‌های شدیدی را به‌خصوص در سواحل جنوب غربی این دریا سبب می‌گردد. عامل اصلی بارندگی‌های پاییز و زمستان سواحل خزر نفوذ پرفشار شمال اروپاست که در منطقه گیلان توده هوای سیبری به‌کمک آن می‌آید. در صورت الحاق این دو توده هوا وزش باد شدید و بارندگی‌های فراوان خواهیم داشت و در فصل زمستان موجب بارش برف می‌گردد. در صد فصلی بارش در استان گیلان بدین قرار است:

بهار : ۱۲٪ تابستان : ۲۳٪ پاییز : ۴۱٪
زمستان : ۲۴٪

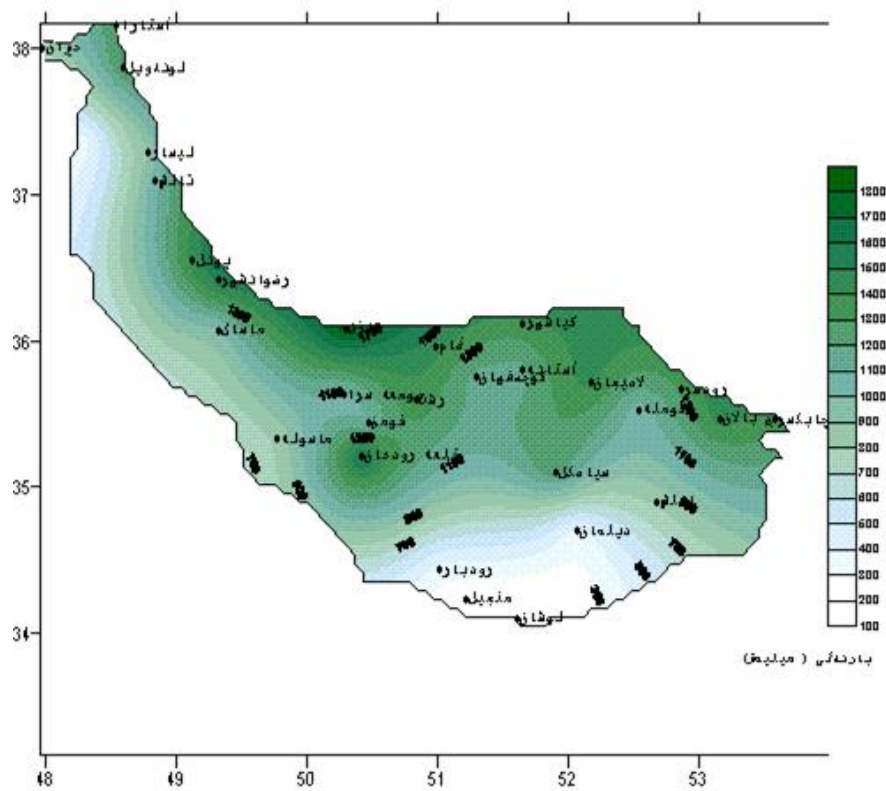
نمودار ۳-۵ درصد فصلی بارش استان گیلان را به نمایش می‌گذارد. کم‌باران‌ترین ماه در استان گیلان تیرماه می‌باشد اما بارندگی زیاد در شهریور ماه سبب شده است که میانگین بارش فصل تابستان نسبت به بهار بیشتر شده و در نتیجه بهار کم‌باران‌ترین فصل استان شناخته شود. آنچه در بررسی بارندگی اهمیت فراوانی دارد، حداکثر شدت بارش در طی یک شبانه روز می‌باشد. در بررسی آمار بلند مدت بارندگی در بندر انزلی در تاریخ ۱۷ سپتامبر (۲۶ شهریور) ۱۹۶۲ در یک شبانه روز ۳۵۳ میلیمتر بارندگی گزارش شده است که از میانگین بارندگی یک سال کل کشور نیز بیشتر است. همچنین در رشت در ۱۱ اکتبر (۱۹ مهر) ۱۹۸۵، ۱۷۰ میلیمتر بارندگی در یک شبانه روز گزارش شده است. این مقادیر بارش ۲۴ ساعته در کل کشور بی‌نظیر است.

نمودار ۴-۶ حداکثر بارش روزانه شهرهای پرباران استان گیلان را نشان می‌دهد.

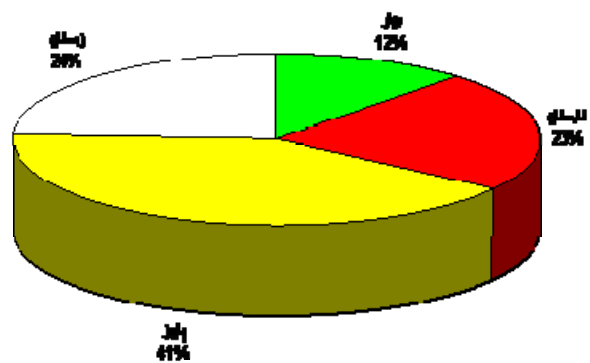
تعداد روزهای بارانی از دیگر فراسنج‌های قابل بررسی می‌باشد. در استان گیلان به طور متوسط ۱۳۵ روز در سال بارندگی داریم یعنی حدود ۴/۵ ماه از سال.

پراکنندگی و تغییرپذیری بارش سالانه در استان بسیار زیاد است. به عنوان مثال یکی از کم‌باران‌ترین سال‌ها در رشت سال ۱۹۷۱ میلادی با ۹۵۸ میلیمتر بارندگی بوده است در حالیکه بلافاصله سال پس از آن یعنی ۱۹۷۲ میلادی با بارش ۱۹۶۸ میلیمتر از پرباران‌ترین سال‌ها در تاریخ بارندگی رشت می‌باشد.

لازم به ذکر است که در سالهای اخیر به دلیل اثرات تغییر اقلیم، علاوه بر دمای منطقه، نوع و شدت و مدت بارندگی نیز تغییرات قابل ملاحظه‌ای کرده است.



نمودار ۳-۴- نقشه همپاران استان گیلان (۲۰۰۰-۱۹۷۶) (کمانگر، ۱۳۸۲)



نمودار ۳-۵- درصد فصلی بارش در استان گیلان